

## سرو آغاز

■ هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش مؤثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در فرایند جهانی شدن اقتصاد و سیاست‌گذاری ایران در این زمینه است. از دهه ۱۹۹۰ عوامل گوناگون، از جمله ایجاد سازمان جهانی تجارت (WTO)، یک‌قطبی شدن نظام اقتصادی جهان و گرایش آن به سوی سرمایه‌داری، افزایش بلوک‌بندی‌های اقتصادی، مانند جامعه اروپا، ناحیه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و «آ.سه.آ»، به گونه‌ای در آزادسازی تجارت جهانی مؤثر بوده و موجبات ادغام اقتصادهای ملی را در نظام اقتصاد بین‌الملل را فراهم کرده است.

افزون بر این، یکی از عوامل مؤثر بر این فرایند، تشدید جریان FDI در این دوره، از سوی شرکت‌های فراملیتی (TNCs)، بر اساس مزیت‌های خاص مکانی و نیز مزیت‌های خاص درون‌سازی (internalization) بوده است؛ به گونه‌ای که FDI را یکی از شاخص‌های اصلی جهانی شدن اقتصاد دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک پروژه چندمنظوره است که می‌تواند در بالا بردن ظرفیت تولیدی، اشتغال‌زایی، ارزآوری، فن‌آوری، مهارت‌های مدیریتی و نیز گسترش صادرات صنعتی و پیوستن کشور میزبان به اقتصاد جهانی مؤثر باشد. در این میان، عملکرد ایران از نظر جذب FDI بسیار ضعیف بوده است؛ از این رو، این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان جریان FDI را به داخل ایران سرعت بخشید؟

بر این اساس، در این مقاله، با مروری بر مفهوم جهانی شدن اقتصاد و مؤلفه‌های آن، کارکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهانی شدن اقتصاد از جنبه‌های گوناگون، روند FDI در واپسین دهه سده بیستم، رابطه مثبت بین روند FDI و صادرات TNCs و همچنین جایگاه ایران در فرایند جهانی شدن اقتصاد با توجه به جذب FDI مورد بحث و بررسی قرار گرفته و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری در این زمینه مطرح شده است.

## جهانی شدن اقتصاد و مؤلفه‌های آن

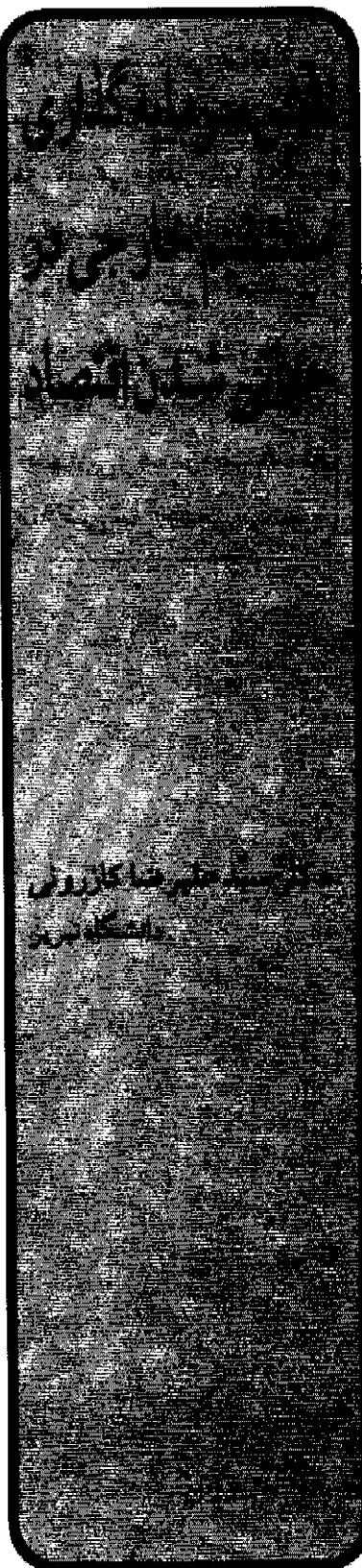
جهانی شدن اقتصاد از تحولات عمده ساختار

اقتصاد جهانی از دهه ۱۹۸۰ تاکنون است؛ تحوّل که از برچیده شدن تدریجی مرزهای ملی خبر می‌دهد و از ویژگی‌های بارز آن ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌الملل و یکپارچه شدن آنها و نیز وابستگی متقابل اقتصادی بیشتر کشورها نسبت به گذشته است.

از مؤلفه‌های مهم فرایند جهانی شدن می‌توان به آزادسازی تجارت کالاها و خدمات، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و portfolio خارجی، تبادل تکنولوژی، تحرک نیروی کار و تورسم بین کشورها اشاره کرد. بین‌المللی شدن تولید نیز یکی دیگر از ویژگی‌های این فرایند است؛ یعنی، با تقسیم کار جهانی، دیگر همه قطعات یک کالا در یک کشور تولید نمی‌شود؛ برای مثال، قطعات یک تلویزیون که تکنولوژی آن ساده است، در ۳۰ کشور تولید می‌شود.<sup>۲</sup>

با توجه به مؤلفه‌های آزادسازی تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات، در سال ۱۹۴۸ ارزش صادرات جهانی در حدود ۷۱/۴ میلیارد دلار بود، در حالی که تولید جهانی به بیش از ۲۵۰۰ میلیارد دلار می‌رسید. در پایان دهه ۱۹۹۰ ارزش کالاهای صادر شده به بازارهای جهانی به ۲۸۵۳ میلیارد دلار رسید و در مقابل، تولید جهانی بیش از ۲۲ تریلیون دلار بود؛ یعنی، در مدت ۴۰ سال، تولیدات جهانی ۹ برابر شده، در صورتی که ارزش صادرات بیش از ۵۵ برابر افزایش یافته است.<sup>۳</sup> گذشته از آن، میانگین رشد سالانه صادرات جهانی کالاها و خدمات و تولید ناخالص داخلی در جهان در ۱۹۹۰-۲۰۰۰ به ترتیب ۶/۸ و ۲/۳ درصد و برای سال ۲۰۰۰ به ترتیب ۱۲ و ۴ درصد بوده است. این داده‌های آماری بیانگر ادغام بازارهای کالاها و خدمات در گذر زمان بوده است که «جهانی شدن» فرایند آن است.

جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) از دیگر مؤلفه‌های این فرایند به‌شمار می‌آید که در سالهای اخیر اهمیت به مراتب بیشتری یافته است. در طول دو دهه آخر سده بیستم، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رشدی به مراتب بیش از رشد تجارت جهانی داشته است. در این دوره تولید جهانی و فروش شعبه‌های بنگاه‌های فراملیتی، به‌عنوان دو شاخص سرمایه‌گذاری



مستقیم خارجی، بیش از GWP جهانی و صادرات جهانی رشد داشته است.

فروش شعبه‌های خارجی TNCs از ۳ تریلیون در سال ۱۹۸۰ به ۱۴ تریلیون دلار در سال ۱۹۹۹ رسید که در واقع ۲ برابر ارزش صادرات جهانی در آن سال بود. تولید ناخالص مرتبط با تولید جهانی TNCs در حدود یک دهم GWP جهانی در سال ۱۹۹۹ بود، حال آنکه در سال ۱۹۸۲ حدود پنج دهم برآورد شده بود.

دیگر اینکه نسبت جریان ورودی FDI به کل تشکیل سرمایه داخلی جهانی که در دوده قبل ۲ درصد بود، اکنون به ۱۴ درصد رسیده است.<sup>۲</sup> در نهایت، جهانی شدن اقتصاد را می‌توان یکپارچه شدن همه بازارهای کالا، خدمات و عوامل تولید در جهان توصیف کرد و طبیعی است که جهانی شدن اقتصاد مستلزم وجود رقابت در بازارهاست. این رقابت، بخش خصوصی را در کشورهای رو به رشد و ادار به فعالیت در بخش تحقیق و توسعه (R&D) می‌کند؛ فعالیتی که برای بسیاری از شرکت‌های محلی بسیار پر هزینه خواهد بود. از سوی دیگر، جهانی شدن اقتصاد، امکان مشارکت علمی و نقل و انتقال تکنولوژی را فراهم می‌سازد. وانگهی، پیشرفت تکنولوژی اطلاع‌رسانی (تبادل الکترونیکی) و وجود شبکه‌های گسترده اطلاعاتی در زمینه‌های گوناگون، علمی، بازرگانی و کاربرد تکنولوژی و نیز ارتباطات فنی و تجاری بین کشورها را با کمترین هزینه امکان‌پذیر می‌سازد که این نیز به روند جهانی شدن شتاب می‌دهد.

### عوامل تعیین کننده و روند

#### سرمایه گذاری مستقیم خارجی

در واقع نقل و انتقال کالاهای «تکنولوژی بر» و سرمایه گذاری مستقیم خارجی، بیشتر از راه انحصارات چند ملیتی صورت می‌گیرد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) به شیوه‌ای گفته می‌شود که با آن، سرمایه گذار خارجی به گونه مستقیم به ایجاد واحدهای تولیدی در کشور میزبان، برای افزایش ظرفیت تولیدی آن کشور می‌پردازد. البته این نوع سرمایه گذاری چهره‌های گوناگون دارد. ممکن است

سرمایه گذار به تنهایی یا با مشارکت سرمایه گذاران محلی همه مراحل سرمایه گذاری و تولید را برعهده بگیرد. در این صورت، سرمایه گذار نه فقط دانش فنی و ابزار تولید را خریداری می‌کند، بلکه برای ایجاد تأسیسات تولیدی، از جمله ساختمان کارخانه و نیز برای پرداخت دستمزدها، مبالغی ارز خارجی به کشور میزبان انتقال می‌دهد. در موارد دیگر ممکن است سرمایه گذار فقط به انتقال دانش فنی و فن مدیریت بپردازد و هزینه مالی واحد تولیدی را از شرکا یا نهادهای محلی تأمین کند. در شرایطی نیز سرمایه گذار خارجی، به سبب فروش دانش فنی یا امتیاز بهره‌برداری و نظارت فنی بر فرایند تولید، در تولید سهام می‌شود. به این ترتیب، «سرمایه گذاری مستقیم خارجی» تنها یک نقل و انتقال بین الملل سرمایه مالی نیست، بلکه مظهر قابل اندازه گیری نفوذ بین الملل شرکتهای فراملیتی است و FDI دربرگیرنده انتقال دانش فنی و دیگر داراییهای غیر قابل لمس، مانند مهارتهای مدیریتی و بازاریابی است و اینها عواملی است که رشد بلندمدت اقتصادی کشور میزبان را امکان پذیر می‌سازد.

### عوامل تعیین کننده FDI

بطور کلی FDI مجموعه‌ای از جریانهای بین المللی سرمایه مالی نیست که حرکت آنرا بتوان فقط ناشی از اختلاف در نرخ بازدهی خالص مورد انتظار در مناطق گوناگون دانست. تحلیلگران، سرمایه گذاری مستقیم خارجی را وابسته به ویژگیهای داخلی TNCs می‌دانند. بررسیهای جان دایننگ در مورد عملیات شعب شرکت‌های آمریکایی در مقایسه با عملکرد رقیبان انگلیسی آنها حاکی است که شعبه‌های آمریکایی، نسبت به رقبای محلی، بیشتر مولد بوده‌اند و توانایی آنها در نقل و انتقال دانش فنی و دیگر داراییهای معنوی، مانند مهارت، بازاریابی و مدیریت، به این معنا بوده است که سطح بازدهی بریتانیا را در همه بنگاهها در صنعت مربوطه ارتقا داده و سود خالصی برای اقتصاد بریتانیا پدید آورده است.<sup>۵</sup>

دومین پیشگام در این زمینه، «استفان هایمر»

□ سرمایه گذاری مستقیم  
خارجی یک پروژه چند  
منظوره است که می‌تواند در  
بالا بردن ظرفیت تولیدی،  
اشتغال زایی، ارزآوری،  
فن آوری، مهارتهای  
مدیریتی و نیز گسترش  
صادرات صنعتی و پیوستن  
کشور میزبان به اقتصاد  
جهانی مؤثر باشد.

۱۹۹۹ نسبت به سال ۱۹۹۱ است. در سال ۱۹۹۱ حدود ۲۶ درصد کل جریان FDI روانه کشورهای در حال توسعه شد که در سال ۱۹۹۹ این سهم به ۲۴ درصد کاهش یافت. با این حال، مقدار مطلق FDI به داخل این کشورها رو به افزایش بوده است. در بین کشورهای در حال توسعه، بیشترین سهم در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی از آن کشورهای شرق آسیا، بویژه چین است که با آزادسازی سیاستهای جذب FDI رتبه نخست را دارد. با این روند، جریان FDI به چین از ۳۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ به ۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ رسیده است که بیش از ۲۰ درصد کل جریان FDI به کشورهای کمتر توسعه یافته برآورد می شود.

در جدول شماره یک می بینیم که جریان ورودی FDI به ایران در سال ۱۹۹۹ در نهایت به ۸۵ میلیون دلار رسیده است که در مقایسه با مقدار FDI ورودی به کشورهای همسایه ایران، از جمله آذربایجان، پاکستان و عربستان، بسیار اندک است.

این افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی سهم بسزایی در هم آمیختگی اقتصادهای ملی داشته است. این تأثیر القایی را می توان بر پایه سهم FDI در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور میزبان (جدول ۲) برآورد کرد. بر اساس جدول شماره ۲، سهم FDI در تشکیل سرمایه ثابت

بود که خصیصه های داخلی TNCs همانند صرفه جوییهای به مقیاس و مهارتهای ویژه مدیریتی، به عنوان انگیزه هایی برای انتقال FDI در نظر می گیرد. «ورنون» نیز در نظریه اش، بر دانش فنی کالای جدید، به عنوان عوامل تعیین کننده تجارت و سرمایه گذاری مستقیم بین المللی، تأکید دارد. باکلی و کیسون هم نظریه سازماندهی بنگاه را مطرح کرده اند. بر این اساس، برای پرهیز از هزینه های بالای معاملاتی در خارج از مرزها، صرفه جوییها با درونی کردن در یک تولید سازماندهی شده که به جای کالا به صورت FDI به نواحی گوناگون منتقل می شود، پدید می آید.<sup>۶</sup> در واقع، آنچه تاکنون در مورد انگیزه های سرمایه گذاری مستقیم خارجی گفته شده، با توجه به ویژگیهای درونی TNCs بوده است. افزون بر این، جریان ورودی FDI تابع متغیرهای کلان کشور، از جمله ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، زیربنای اقتصادی، گستردگی بازار مصرف، وجود نهادهای تولیدی ارزان و درجه آزادسازی FDI است.

### روند FDI

بر اساس جدول شماره یک، جریان FDI به داخل کشورهای میزبان، از ۱۵۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ به ۸۶۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۹ رسیده است که نشان دهنده ۵/۵ برابر شدن جریان FDI در سال

□ جهانی شدن اقتصاد را می توان یکپارچه شدن همه بازارهای کالا، خدمات و عوامل تولید در جهان دانست و طبیعی است که جهانی شدن اقتصاد مستلزم وجود رقابت در بازارهاست؛ رقابتی که بخش خصوصی را در کشورهای روبه رشد به فعالیت در زمینه «تحقیق و توسعه» و امی دار دو همچنین امکان مشارکتهای علمی و نقل و انتقال تکنولوژی را پدید می آورد.

جدول شماره ۲: سهم FDI در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور میزبان (بر حسب میلیون دلار)

کشور میزبان	متوسط سالانه ۱۹۹۳-۱۹۸۸	۱۹۹۹	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۱
جهان	۱۹۰۶۲۹	۸۶۵۴۸۷	۳۷۷۵۱۶	۳۳۱۸۴۴	۱۵۸۹۳۶
کشورهای توسعه یافته	۱۴۰۰۸۸	۶۳۶۴۴۹	۲۱۹۷۸۹	۲۰۵۶۹۳	۱۱۴۷۹۲
کشورهای در حال توسعه	۴۶۹۱۹	۲۰۷۶۱۹	۱۴۵۰۳۰	۱۱۱۸۸۴	۴۱۶۹۶
ایران	۸۶	۸۵	۲۶	۱۷	۲۳
ترکیه	۶۶۵	۷۸۳	۷۲۲	۸۸۵	۸۱۰
پاکستان	۲۶۶	۵۳۱	۹۱۸	۷۱۹	۲۵۷
ویتنام	۳۱۹	۱۶۰۹	۲۴۵۵	۲۳۴۹	۲۲۹
مالزی	۳۳۲	۳۵۳۲	۷۲۹۶	۵۸۱۶	۳۹۹۸
هند	۲۳۴	۲۱۶۸	۲۴۲۶	۲۱۴۴	۱۵۵
اندونزی	۱۲۶۹	۳۲۷۰	۶۱۹۴	۴۳۴۶	۱۴۸۲
کره	۹۵۶	۱۰۳۴۰	۲۳۰۸	۱۳۵۷	۱۱۸۰

منبع: NCTAD (2000), World Investment Report 2000, pp. 283-287.

کشور میزبان	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸
جهان	۴/۶	۵/۴	۵/۹	۷/۵	۱۱/۸
ممل توسعه یافته	۲/۵	۲/۵	۲/۸	۶/۲	۱۰/۹
ممل در حال توسعه	۸/۳	۷/۶	۹/۱	۱۰/۸	۱۱/۵
مصر	۱۱/۹	۵/۲	۵/۱	۶/۸	۶/۸
ترکیه	۱/۹	۲/۲	۱/۶	۱/۶	۱/۹
آذربایجان	۲/۵	۷۳/۸	۶۷/۹	۷۸	۶۴/۲
چین	۱۷/۳	۱۴/۷	۱۴/۳	۱۴/۶	۱۲/۹
پاکستان	۴/۵	۷/۱	۸/۹	۷/۵	۵/۶
فیلیپین	۱۰/۵	۸/۹	۷/۸	۶/۲	۱۲/۸
سنگاپور	۳۶/۱	۲۵/۶	۲۵/۶	۲۲/۱	۱۷/۶

منبع: UNCTAD (2000), World Investment Report 2000, pp. 306-317

□ جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی تابع متغیرهای کلان کشور، از جمله ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، زیربنای اقتصادی، گستردگی بازار مصرف، وجود نهادهای تولیدی و امکاناتی است که برای سرمایه گذاری خارجی وجود دارد.

آزادسازی و نیز خصوصی سازی می توان اشاره کرد.

از سوی دیگر، سهم FDI در تشکیل سرمایه ثابت ایران در سال ۱۹۹۹ به ۸۵ میلیون دلار (۲٪ درصد) رسیده که بسیار اندک بوده است. این سهم اندک را باید برآیند سازوکار قوانین و مقررات جذب سرمایه های خارجی، بالا بودن مالیاتها، محدودیتهای تجارت خارجی و نیز مقررات کار دانست.

مفهوم آزادسازی FDI در برگیرنده تدابیری چون برداشتن یا کاهش سدهای سرمایه گذاری مستقیم خارجی ورودی، آسان سازی مقررات برای بیشتر فعالیت های اقتصادی، تکیه بر نیروهای بازار در اقتصاد داخلی و نیز پذیرش استانداردها و قوانینی در رفتار با FDI است.

بسیاری از کشورها هنجارهای اصلی رفتار با سرمایه گذاران خارجی را پذیرفته اند و تضمینهای کافی برای مسایل کلیدی مانند: نقل و انتقال سرمایه، حل و فصل اختلافها و سلب مالکیتها در نظر گرفته اند. آزادسازی چارچوب FDI نوعی دگرگون سازی سیاستگذاری غالب نسبت به FDI بوده است؛ به گونه ای که در سالهای ۱۹۹۹-۱۹۹۱، بیش از ۹۴ درصد از دگرگونی قوانین مربوط به FDI در جهان برای پدید آوردن بستری مناسب و همساز برای FDI بوده است. دگرگونی سیاستهای دولت نسبت به FDI در سال ۱۹۹۹ ادامه روند آزادسازی، حمایت و تشویق FDI را مورد تأیید قرار می دهد. بسیاری از کارها و

ناخالص در جهان از سال ۱۹۹۴ تاکنون روند فزاینده داشته است. برای نمونه می توان گفت: در کشورهای در حال توسعه، این سهم از ۸/۳ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۱۱/۵ درصد در سال ۱۹۹۸ رسیده است.

افزون بر این، جدول توزیع بخشهای FDI به عنوان درصدی از تشکیل سرمایه در جهان نشان می دهد که این درصد در بخش صنعت به سرعت از ۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۲۱/۶ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. سهم FDI در تشکیل سرمایه بخش صنعت در سال ۱۹۹۸ در کشورهای توسعه یافته ۱۶/۶ درصد و در کشورهای در حال توسعه ۳۶/۷ درصد بوده است که نشان دهنده نقش FDI در توسعه صنعتی کشورهای LDC است؛ از این رو، FDI را می توان چون شمشیری دو دم دانست که نه تنها نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت صنعتی دارد که برآیند نوآوریهای تکنولوژیک و مدیریتی و گسترش ظرفیت تولیدی است، بلکه نقش آن در پیوستگی و ادغام کشورهای LDC در اقتصاد جهانی هم مهم و کارساز است.

در این میان بیشترین سهم FDI در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور میزبان، سهم چین در سال ۱۹۹۴ بوده است؛ تا آن اندازه که چین توانسته است بیش از میانگین جهانی (۱۱/۱ درصد) را جذب کند. در شناساندن آنچه این جریان ورودی FDI را به چنین فزونی داده است. به اصلاحات زیربنایی اقتصادی؛ از جمله:

برنامه‌ها در اقتصادهای در حال توسعه و انتقالی در جهت کاهش محدودیت‌های بخشی برای ورود FDI بوده است. در صنایعی مانند نفت، انرژی، فرودگاهها، ارتباطات، توریسم، خدمات بانکی و بیمه، خرده‌فروشی و داروسازی که پیش از این به‌روزی FDI بسته بوده، با برنامه‌های آزادسازی، بهره‌برداری از FDI آغاز شده است.

بر این اساس، رابطه بین سیاست‌های ملی مربوط به FDI و جهانی شدن را می‌بایست رابطه‌ای دوجانبه دانست که هر یک بر دیگری اثر می‌گذارد. همین سیاست‌های آزادسازی FDI یکی از نیروهای کارساز در افزایش تولید جهانی TNCs به معنای جهانی شدن اقتصاد بوده است. از سوی دیگر، پیشرفت در آزادسازی تجاری و همچنین پیشرفت تکنولوژی در ارتباطات و حمل و نقل به TNCs امکان داده است تا استراتژی‌های ناحیه‌ای و جهانی خود را پی بگیرند و ساختار تولیدشان را بر پایه‌های جهانی یکپارچه سازند که این به نوبه خود انگیزه‌هایی برای آزادسازی FDI پدید آورده است.

رابطه نرخ رشد صادرات و نرخ رشد تولید واقعی کشورها، در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ نشان می‌دهد که برخی کشورها (کشورهای شرق آسیا از جمله سنگاپور و هنگ کنگ) که از درجه برون‌گرایی بالا برخوردار بوده‌اند، به نرخ رشد صادراتی بالا (۹/۴ درصد، میانگین نرخ رشد تولید واقعی ۸ درصد) رسیده‌اند و بر عکس، در کشورهای آمریکای لاتین (آرژانتین و پرو)، بر اثر درون‌گرایی شدید، نرخ رشد صادراتی پایین بوده و به ۰/۵ درصد رسیده است؛ نرخ رشد تولید واقعی آنها نیز در این سالها ۰/۵ درصد بر آورده شده است.<sup>۸</sup>

نتیجه این است که هر چه کشوری از سیاست برون‌گرایی بالاتر (سیاست جان‌شینی صادرات) برخوردار باشد، نرخ رشد اقتصادی بالاتر، امکان مشارکت و رقابت بیشتر در بازارهای بین‌المللی کالا و خدمات و قابلیت جذب FDI بیشتری خواهد داشت. بدیهی است که رویکرد جان‌شینی صادرات در گرو سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی شرکتهای فراملیتی، برای انتقال دانش فنی، مهارت‌های مدیریتی و بازاریابی است و آن گونه که تجربه کشورهای شرق آسیا و نیز تجربه ایران نشان می‌دهد، بین FDI و صادرات صنعتی رابطه‌ای مثبت

وجود دارد.<sup>۹</sup>

سرانجام می‌توان گفت که جذب FDI از یک سو در گرو آزادسازی اقتصادی است و از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری خارجی سبب ساز پیوستن اقتصاد داخلی به اقتصاد بین‌المللی، از راه گسترش صادرات صنعتی، می‌شود.

### کارکرد شرکتهای فراملیتی در جهانی شدن اقتصاد

قلمرو فعالیت تولیدات بین‌المللی شرکتهای فراملیتی که اکنون در برگیرنده ۶۳ هزار شرکت مادر و نیز ۶۹ هزار شعبه خارجی است، به همه کشورهای نیز همه رشته‌های اقتصادی گسترش یافته است؛ به گونه‌ای که در شعبه‌های خارجی یکصد شرکت بزرگ فراملیتی، بیش از ۶ میلیون نفر کار می‌کنند و فروش آنها به ۲ تریلیون دلار در سال می‌رسد. حوزه فعالیت این شرکتهای نیز بیشتر در صنایع الکترونیک، اتومبیل، نفت، پتروشیمی و داروسازی است.<sup>۱۰</sup>

کارکرد TNCs در جهانی شدن اقتصاد از چند بُعد قابل بحث است؛ نخست اینکه، با افزایش ظرفیت تولیدی کشور میزبان، آنرا آماده پیوستن به نظام اقتصاد جهانی، از راه افزایش مبادلات تجاری کالاها، می‌سازد.

در اینجا ارتباط بین صادرات شعبه‌های TNCs و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آنها که ظرفیت تولید بین‌المللی را افزایش می‌دهد مورد توجه است. سهم واقعی یک‌نگاه در اقتصاد با توجه به «ارزش افزوده» آن بر آورده می‌شود. بر این اساس، در سال ۱۹۹۷ شعبه‌های خارجی TNCs بیش از دو تریلیون دلار ارزش افزوده پدید آورده‌اند که نشان دهنده سهم رو به رشد آنها در GWP جهانی است (نزدیک به ۷ درصد مقایسه با ۵ درصد نیمه‌دهه ۱۹۸۰). همچنین، شعبه‌های خارجی شرکتهای فراملیتی، از راه صادرات، به اقتصاد کشورهای میزبان کمک کرده‌اند؛ به گونه‌ای که سهم آنها در صادرات جهانی، از یک چهارم در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به یک سوم در سال ۱۹۹۵ رسیده است و این نشان دهنده افزایش نقش TNCs در صادرات کشورهای میزبان است. جدول شماره ۳ رابطه مثبت بین ذخیره FDI و صادرات را در سطح جهانی نشان می‌دهد.

نقل و انتقال تکنولوژی جنبه دیگری از

□ سهم سرمایه‌گذاری خارجی در تشکیل سرمایه بخش صنعت در سال ۱۹۹۸ در کشورهای توسعه یافته ۱۶/۶ درصد و در کشورهای در حال توسعه ۳۶/۷ درصد بوده است که نشان دهنده نقش آن در توسعه صنعتی این کشورهاست.

فعالیت‌های بین‌کشوری شرکت‌های فراملیتی است. دریافتها و پرداختیهای حق امتیاز و بهره‌برداری یک شاخص نه‌چندان کامل از تبادل تکنولوژی به وسیله TNCs است. ارزش این دریافتها با نرخ رشد دورقمی رو به افزایش بوده و معاملات بین شرکت‌های فراملیتی غالب است که در حدود ۵۲ درصد برای ژاپن و ۹۵ درصد برای آلمان محاسبه شده است. ارتباط درون-شرکتی TNCs در جهت دستیابی به تکنولوژی و نوسازی آن نیز در گذر سالها اهمیت بیشتری یافته است که خود عاملی مؤثر در ادغام اقتصادها به‌شمار می‌رود؛ زیرا، در اصل شعبه‌ها دستکم به تسهیلات R&D شرکت مادر و شبکه TNCs دسترسی دارند.

در بررسی کارکرد این شعبه‌های خارجی در چین، بویژه با ارزیابی برآیند سرمایه‌گذاریهای مشترک آنها می‌توان گفت که از این جنبه، در مقایسه با کارکرد شرکت‌های داخلی، از عملکرد بسیار خوبی برخوردار بوده‌اند؛ گرچه در همه موارد، نسبت کالاهای سرمایه‌ای به کل واردات کاهش یافته است.

آلمان، ژاپن، و ایالات متحده هم از بابت ابداعات و حق امتیاز و بهره‌برداری، درآمدهایی داشته‌اند، در حالی که در کشورهای در حال توسعه فعالیت‌های R&D برای بنگاه‌های داخلی، به سبب هزینه سنگینی که دربردارد، چندان ممکن نیست. یک بررسی در مورد ایران نشان می‌دهد که در بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مشترک خارجی در ایران، امکان دسترسی به تکنولوژی شرکت مادر وجود دارد.

بر حسب میلیارد دلار

سال	ذخیره FDI	فروش	ارزش افزوده بر حسب درصدی از GWP جهانی	صادرات	صادرات شعب خارجی بر حسب درصدی از تجارت
۱۹۸۵	۲۲۷۲	۲۵۳۳	۵/۲	۶۹۸	۳۱/۹
۱۹۸۶	۲۸۷۸	۲۸۴۲	۵/۵	۶۹۴	۲۸/۶
۱۹۸۷	۳۴۰۳	۳۵۱۹	۴/۳	۷۴۰	۲۵/۶
۱۹۸۸	۴۰۲۷	۴۱۸۰	۵/۷	۸۹۱	۲۶/۹
۱۹۸۹	۴۵۲۰	۴۷۸۸	۶/۲	۹۴۷	۲۶/۳
۱۹۹۰	۵۶۲۵	۵۲۰۴	۶/۲	۱۱۴۹	۲۷/۵
۱۹۹۱	۴۱۶۲	۵۰۵۲	۶/۲	۹۷۷	۲۲/۷
۱۹۹۲	۶۳۰۰	۵۳۲۵	۵/۸	۱۲۴۱	۲۶/۶
۱۹۹۳	۷۱۳۲	۵۹۷۵	۵/۷	۱۲۷۸	۲۷/۷
۱۹۹۴	۸۳۶۱	۶۶۲۴	۶/۱	۱۴۵۵	۲۸/۳
۱۹۹۵	۹۹۵۷	۸۳۴۶	۶/۳	۱۹۶۱	۳۲/۳
۱۹۹۶	۱۱۱۵۶	۸۸۵۱	۶/۸	-	-
۱۹۹۷	۱۲۶۰۶	۹۵۰۰	۶/۹	-	-

منبع: UNCTAD (1998), World Investment Report 1998, pp. 5-6.

(بر حسب میلیارد دلار)

نرخ رشد سالانه (درصد)		بر حسب قیمت جاری		اندام
۱۹۹۷	۱۹۸۶-۹۰	۱۹۹۷	۱۹۹۶	
۱۵	۲۱/۹	۶۱	۵۳	
۱۳	۱۴/۶	۶۴۳۲	۶۲۴۵	

منبع: UNCTAD (1998), World Investment Report 1998, p.2.

صنعتی در حدود ۱۰ دلار بوده است. از این رو، برای تأمین نیازهای ارزی وارداتی در سال ۱۴۰۰ یعنی ۱۸ سال دیگر، صادرات صنعتی کشور باید ۳۳ برابر شود و به ۳۸/۶ میلیارد دلار در سال برسد.<sup>۱۱</sup>

با توجه به افزایش سریع تجارت جهانی، حجم تجارت خارجی ایران از ۳۵۲۰۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ به ۳۵۶۴۴ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ رسیده است که رشدی برابر با ۰/۸ درصد نشان می‌دهد، در حالی که حجم تجارت خارجی ترکیه و پاکستان در این سالها (۹۶-۱۹۹۰) به ترتیب ۷۱ درصد و ۶۵ درصد رشد داشته است؛ آنهم بی آنکه از منابع نفتی برخوردار باشند. به این ترتیب، کشورهای همسایه ما توانسته‌اند در اقتصاد جهانی ادغام شوند.

از سوی دیگر، در سال ۱۹۹۹ سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ۸۵ میلیون دلار بوده که در مقایسه با FDI ورودی ۷۸۳ میلیون دلاری به ترکیه و ۵۳۱ میلیون دلاری به پاکستان بسیار اندک است که این هم ناشی از اطمینان نداشتن سرمایه‌گذاران خارجی به امنیت سرمایه‌گذاری و انتقال سود از ایران، بی‌ثباتی اقتصادی و شفاف نبودن سیاستهای جلب سرمایه‌گذاری بوده است. با توجه به این موضوع باید یادآور شد؛ حتی ویتنام که زمانی در انزوای اقتصادی بوده، در سال ۱۹۹۹ توانسته است ۱۶۰۹ میلیون دلار FDI جذب کند.

تجربه کشورهای شرق آسیا نشان می‌دهد که گسترش صادرات صنعتی تنها براساس استراتژی برون‌گرایی، از راه مشارکت با FDI برای کاربرد تکنولوژی جدید در ساخت کالا و بهبود کیفیت آن، امکان‌پذیر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که جذب FDI به ایران در گرو یک رشته اصلاحات ساختاری، از جمله آزادسازی تجارت خارجی و جریان ورودی FDI، اصلاحات مالیاتی و قوانین کار، تضمین سرمایه و انتقال سود حاصله از ایران و شفافیت سیاستهای جلب FDI است. سخن آخر اینکه: ایران، تنها از راه جذب FDI و افزایش صادرات کالاهای صنعتی می‌تواند مشارکت فعال خود را در روند جهانی شدن اقتصاد نشان دهد.

البته انتقادهایی نیز به عملکرد TNCs در کشورهای در حال توسعه شده است، از جمله نبود ارتباطات پس‌رو و نیز انگیزه صدور کالاهای صنعتی، کمبود امکان پژوهش و توسعه (R&D)، کاربرد روشهای نامناسب تولید و اشتغال‌زایی اندک.

## سخن آخر و پیشنهادهایی برای سیاستگذاری

آن گونه که گفته شد، یکی از شاخصهای بسیار مهم جهانی شدن اقتصاد، تشدید جریان ورودی FDI در جهان در دو دهه آخر سده بیستم بوده است. بسیاری از کشورهای جهان، بویژه کشورهای شرق آسیا کوشیده‌اند با استراتژی برون‌گرا، به سهم بیشتری از این FDI ورودی دست یابند. در این راستا، این کشورها با آزادسازی جریان FDI و کاربرد سیاستهای تشویقی، به جذب FDI و توسعه صادرات صنعتی پرداخته‌اند.

افزون بر این، داده‌های آماری نشان می‌دهد که سهم FDI به عنوان درصدی از سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی، رو به رشد بوده است.

نقل و انتقالات FDI توسط TNCs انجام می‌گیرد که نقش فزاینده‌ای در به هم پیوستگی اقتصادهای ملی داشته است. کارکرد TNCs در جهانی شدن اقتصاد تنها محدود به افزایش ظرفیت تولیدی و صادراتی کشورهای میزبان نمی‌شود، بلکه شرکت‌های فراملیتی با نقل و انتقالات تکنولوژی بین کشورها، در عمل نقش مهمی در نوسازی صنایع داخلی کشورهای در حال توسعه و دسترسی آنها به امکانات R&D در کشورهای مادر دارند.

درون‌گرایی حاکم بر ایران در سالهای پس از انقلاب و تأکید بر سیاست جانشینی واردات و خودکفایی، این کشور را در حاشیه تحولات اقتصاد جهانی قرار داده و آن را از فرصتهای پدید آمده، بی‌بهره کرده است؛ چنان که سهم ایران در روند جهانی شدن اقتصاد بسیار اندک بوده است. در سالهای اخیر، صادرات صنعتی ایران به سبب کیفیت و تکنولوژی پایین، دچار رکود شده است، به گونه‌ای که در سال ۱۳۷۴ سرانه صادرات

□ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت صنعتی دارد؛ پیشرفتی که برآیند نوآوریهای تکنولوژیک و مدیریتی و گسترش ظرفیت‌های تولیدی است. از سوی دیگر، نقش این سرمایه‌گذارها در ادغام کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی کارساز و مهم است.

□ آزادسازی سرمایه‌گذاری  
مستقیم خارجی دربرگیرنده  
تدابیری چون برداشتن  
یا کساهش سدهای  
سرمایه‌گذاری مستقیم  
خارجی ورودی، آسان‌سازی  
مقررات برای بیشتر فعالیتهای  
اقتصادی، تکیه بر نیروهای  
بازار در اقتصاد داخلی و نیز  
پذیرش استانداردها و  
قوانین لازم برای این  
سرمایه‌گذاریهاست.

6. Ibid.

7. UNCTAD, WIR (2000), P.xxi.

8. Sebastian Edward (1993). "Openness, Trade Liberalization and Growth in Developing Countries. J. Econ. Lit, Sept., 1373-1376.

۹. علیرضا کازرونی (۱۳۸۰)، «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در گسترش صادرات صنعتی و خط‌مشی‌های جلب آن: شواهد تجربی»، شورای پژوهشهای علمی کشور.

۱۰. مرتضی ایمانی‌راد (۱۳۷۵)، «چشم‌انداز صادرات کشور در سالهای ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۴۰۰»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۱۱۲، صص ۱۶۲-۱۷۱.

11. UNCTAD, WIR (2000), P.xvi.

1. John H. Dunning (1985). ed. **Multinational Enterprises, Economic Structure, and International Competitiveness**, Chichester: John Wiley & Sons

۲. تدبیر (۱۳۸۰)، «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن»، ش ۱۱۶، صص ۸۶-۸۹.

۳. محمدحسین حکیمیان (۱۳۸۰)، «تحولات تجاری جهان در سال ۲۰۰۰»، تدبیر، ش ۱۱۶، ص ۴۱.

4. UNCTAD (2000), **World Investment Report (2000)**, P.xvi.

5. E.M. Graham (1995). **Foreign Direct Investment in the World Economy**, IMF Working Paper.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی